که کار اولم را هدفمند تر انتخاب کنم چون دوست داشتم که اثر مربوط به مملکت و سرزمینمان باشد و در این شرایط سخت حس می کردم که کار کمدی باشد چرا که به نظرم مردم واقعاً در این شرایط به نمایش کمدی نیاز دارند تا ۲ ساعت فارغ از تمام مسائل دنیا بخندند و ذهنشان آرام شود و در خلال این نمایش به شرافت و بزرگی امیرکبیرمان و افرادی مثل او بنازیم چرا که افرادی به دلسوزی او کم نداشته‌ایم. اینگونه شد که ما متن آقای ابوالفضل حاجی علی خانی را انتخاب کردیم که ایرانی و درجه یک نوشته و دستمان را بسیار باز گذاشته و از او بسیار ممنون هستیم و در نهایت خواستیم ادای دینی به تئاتر ایرانی کرده باشیم.

**انتخاب بازیگران به چه شکل انجام شد؟**

از آنجایی که در وهله اول تخصص من بازیگری است و همه مرا به نام بازیگر می‌شناسند روی بازی‌ها خیلی حساس بودم و اعتقاد داشتم حتماً باید بازیگرانی در کنارم داشته باشم که اکت درونی و تمپوی درونی درست در این اثر داشته باشند و به نظرم بازیگرانی که در این نمایش همراهم شدند جزو بهترین بازیگران تئاتر ایران هستند.

**در زمینه طراحی صحنه حرف زیادی برای گفتن وجود دارد از حوض وسط صحنه که درست مانند نمایش‌های رو حوضی طراحی شده و شما تمام بخش‌های نمایش را که مشابهت به ساختار نمایش رو حوضی دارد در این بخش از صحنه اجرا می کنید تا باقی بخش‌ها. در این مورد بگویید.**

دقیقاً و با اینکه بضاعت ما برای اینکه همه آنچه را که دوست داریم روی صحنه پیاده کنیم کم بود اما در طراحی صحنه انتزاعی این کار که توسط آقای سینا ییلاغ بیگی انجام گرفته همه چیز در عالی ترین شکل ممکن خود است. ایشان بسیار باسواد و درجه یک هستند و من خیلی در کنارشان یاد گرفتم. این انتزاعی بودن حمام و خطی بودن ماجراها برای من اهمیت زیادی داشت و خدا را شکر می کنم که اتفاق افتاد.

**طراحی صحنه از نظر کاربردی دست شما را بسیار باز گذاشته...**

بله کاملا درست است من توانستم سایه بازی ایرانی را در لحظه‌هایی نقطه‌گذاری کنم حوض نشانه تخت حوضیست با کمی دقت بیشتر می‌بینیم که مثبت‌های نمایش از سمت راست و کاراکترهای خاکستری از سمت چپ ورود و خروج دارند این‌ها همه نقطه زنی‌هایی بود که ما انجام دادیم تا تئاتری باشد که همراه با خنده، تفکر نیز بیاورد.

**سخن پایانی**

حقیقتاً همه بچه‌های ما در جه یک و بی نظیر بودند یعنی این اجرا در واقع کار من نیست و کار همه بچه‌ها و خدای بزرگی است که از دل ما خبر دارد و می‌داند که نیت ما لذت بردن مردم‌مان است به همین علت خدای بزرگ هم به ما کمک کرد و کسانی را در کنار ما گذاشت که حرفه‌ای و درجه یک بودند و خودشان کارشان را به نحو احسن و در بهترین حالت ممکن انجام دادند. مهدی فخیم‌زاده می گوید وقتی که بچه بودم رفتم و یک گروه فیلمبرداری را دیدم در این میان کسی بود که در کار همه فضولی می کرد. من خیلی از آن آدم بدم آمد بعدها فهمیدم که آن آدم کارگردان است. حالا برای ما هم همین گونه بود در کار بچه‌ها فضولی می کردیم ولی بچه‌ها همه حرفه‌ای و درجه یک بودند به نوعی که واقعا از حضور تک تک‌شان و خلاقیت‌های درجه یکی که داشتند شگفت زده می‌شدم.

## سیدجواد یحیوی (بازیگر):
## کدهای فراوانی برای ارتباط با مخاطب‌مان داریم

**بازی کردن در نمایش ایرانی و بازی نقش در نقش چه توانایی‌هایی در بازیگر می‌طلبد؟**

فکر می کنم به توانایی‌های بیسیک یک بازیگر نیاز دارد از مهارت‌هایی در بدن و بیان تا مهارت‌های پرداخت بر حس و عواطف و همراهی زبان بدن با این احساسات، در واقع به همه ویژگی‌هایی که وقتی سخن از بازیگری است از آن صحبت می کنیم با این تفاوت که ما در نمایش‌های ایرانی بسیار پیشتر از اینکه در غرب به آن اشاره شود یا به عنوان یک سرفصل به آن پرداخته شود. یعنی اینکه شما بخواهید فاصله گذاری را تجربه کنید یا از نقشی بیرون بیایید و دیوار چهارمی را بشکنید و با تماشاگر ارتباط بگیرید و دوباره بازگردید به جای قراردادی که با او گذاشته‌اید این تجربه‌ها را در نمایش ایرانی داشته و داریم. بنابراین در فضای نمایش‌های ایرانی ما در بازی‌ها، شکست‌های حسی، تغییر فازها و حس‌های نزدیک به هم، بدون مقدمه، زمینه و تمهید و به شکل ناگهانی و غافلگیرانه بودن را تجربه می کنیم که جزو ویژگی‌هایی است که بازیگر باید با آن آشنا شود. در نمایش‌های ایرانی ما به نقش در نقش بازی کردن عادت داریم. مثلا در تجربه فین جین هدایت، نگهبان موزه حمام فین در ابتدا در برابر برادرش و بد عهدی او فردی محکم، خشن و قوی به نظر می‌رسد ولی چند دقیقه بعد در مواجهه با اجنه به شدت فردی نحیف، ترسو و پر از گریه و ناله است که هیچ تشابهی به هدایت صحنه یک ندارد و در صحنه‌های بعدی نمایش در کاراکترهای دیگرش نیز همینطور. در واقع من یک بار برای اینکه به هدایت برسم باید از جواد یحیوی فاصله بگیرم و در قدم بعدی از خود هدایت باید دور شوم و فاصله بگیرم و این پرده پرده و لایه لایه مرا از شخصیت حقیقی و واقعییم دورتر می کند و کمک می کند که فضاهایی که نمایش و متن می‌طلبد را بسازم و آن قراردادها را پیش ببرم. این یکی از آن ویژگی‌هایی است که گاهی در متدهای مدرنی که در بازیگری می‌شناسیم به آن توجه نشده یا این ظرفیت و قابلیت وجود ندارد. مثلا در شیوه ای از بازیگری باید در نقش به ترتیبی دچار استحاله شده، فرو برویم و در او گم شویم و این مسئله را معمولاً در طول اجرای یک سناریو تا پایان حفظ می کنیم ولی در نمایش ایرانی وقتی قرار است که ما ۵ نقش را به صورت نقش در نقش بازی کنیم و پارتنرهای‌مان هم همین کار را انجام می‌دهند در لحظه در فضای جدیدی قرار می‌گیریم. به این ترتیب من برای بازی کردن کاراکتر هدایت، نگهبان موزه اتفاقاً نباید تبدیل به او شوم و فقط باید او را بازی کنم برای اینکه چند دقیقه بعدش باید کاراکتر جدیدی بازی کنم و نقش‌های دیگر نمایش را نیز روی زمینه شخصیت هدایت بازی کنم و معلوم می‌شود که این هدایت است که دارد آن نقش را بازی می‌کند و این یک پیچیدگی‌هایی ایجاد می‌کند که در عین سادگی می‌تواند کار را سخت و حساس کند. نکته دیگر وقتی است که ما مدلی از نمایش را کار کنیم که لوکال معنی می‌دهد و به صورت بومی و منطقه‌ای می‌تواند با مخاطبانش ارتباط برقرار کند مسلماً تسلط بر آن فرهنگ، زبان و ادبیات در لحظه لحظه کار می‌تواند به درد آدم بخورد و به کار بیاید و ضرورت محسوب می‌شود. بداهه گویی در نمایش ایرانی محلی از اعراب دارد و جایی برای خودش اختصاص داده و ما بدون عدم تسلط بر آن فرهنگ، زبان و ادبیات یا بر باورهای مردم آن منطقه و حتی مسائل روزشان و اینکه چطور با این تجربه‌های حسی و موقعیت‌هایی که در نمایشنامه‌ای که سال‌ها پیش نوشته شده پیوند می‌خورد نمی‌توانیم به یک این‌همانی و ما به ازای بیرونی برسیم. تنها با علم بر این مسائل در یک بداهه گویی ممکن است بتوانیم این اینهمانی را برقرار کنیم و ذیل قرارداد با تماشاگر مطلب را به او منتقل کنیم. ما زمانی که متون کلاسیک فرنگی کار می‌کنیم در این وجه معمولاً وارد نمی‌شویم و متن به مانند یک قانون اساسی می‌ماند که جز به جز باید حفظ و رعایت شود، ما سعی می‌کنیم با پناه بردن به زبان و ادبیات متن خودمان را به زبان و ادبیات آن فرهنگ متصل کنیم و سعی کنیم آن فرهنگ را در رفتارمان منعکس کنیم اما اینجا ما یک آگاهی زمینه‌ای از پیش داریم که آن را زندگی کرده‌ایم و مخاطب هم که آنجا نشسته و شما را تماشا می‌کند همان زندگی و تجربه مشترک را دارد بنابراین ما کدهای فراوانی برای برقراری ارتباط با مخاطبمان داریم که به اشاراتی می‌توان این کدها را فعال کرد و در مجموعه قراردادهای نمایشی با تماشاگر آورد و این‌ها همه بخش‌هایی از ماجراست که من در این لحظه به آنها اشاره می‌کنم و پاسخ دادن به این سوال به شکل تحلیلی، دقیق و کامل امکان‌پذیر است.

**از تجربه کار با محمود موسوی در قامت کارگردان بگویید.**

محمود موسوی سال‌های طولانی در تئاتر کار کرده است. او زمانی که تئاتر را شروع کرد هنوز نوجوان بود و من در اولین سال‌هایی که وارد فضای فرهنگ و هنر شدم با او آشنا شدم و از این آشنایی حدوداً بیست و چند سال می‌گذرد. با این شناخت و سابقه دوستی من ایشان را فرد مناسبی برای همکاری در چنین متنی دیدم چرا که در اثری که انقدر پر ماجرا، شلوغ و پر تراکم از تجربه‌های مختلف بازیگری است چه بسا که شما با یک بازیگر در مقام کارگردان حتی می‌توانید بهتر پیش بروید به نسبت شخصی که صرفا کارگردانی کرده باشد. هرچند که کارگردانان باید شناخت کافی از مبحث بازیگری داشته باشند و دارند ولی وقتی کارگردان بازیگر هم باشد از بیرون آکواریوم و از پشت شیشه به تنگ ماهی‌ها نگاه نمی‌کند و خودش هم شنا کردن را بلد است و داخل آکواریوم بودن را تجربه کرده است. ضمن اینکه من فکر می کنم محمود موسوی توانمندی‌های خودش در کارگردانی و ایده‌هایی که برای این نمایش داشت را خیلی به رخ نکشید وگرنه ایده‌هایی در روزهای اول داشت که اتفاقاً با آنها سهم او در کارگردانی بیشتر هم نمایان می‌شد ولی به دلیل شرایط مسائل مالی و شرایط هماهنگی گروه این ایده‌ها ممکن بود کار را کمی پیچیده کند پس از آنها صرف نظر کرد به همین علت تماشاگر ما چندان با وجه کارگردانی محمود موسوی درگیر نمی‌شود وگرنه محمود بسیار تواناتر و خلاق‌تر از آن است که در این نمایش دیده می‌شود.

## الهه پورجمشید (بازیگر):
## کار کمدی برای بازیگران زن چالش زیادی دارد

**همزمان در اثر دیگری هم بازی می کنید از سختی‌های این اجرای همزمان بگویید.**

من اثری در تالار قشقایی روی صحنه داشتم که آقای موسوی در آن بازی می کردند. در اواسط اجرای آن آقای موسوی پیشنهاد «فین جین» را دادند و از آنجایی که اجرای قبلی آن را با گروهی دیگر دیده بودم و متن و نقش را خیلی دوست داشتم قبول کردم. کاری که در حال حاضر همزمان اجرا می کنم هم تقریباً همزمان به من پیشنهاد شد و من واقعاً فکر نمی کردم که این دو اثر انقدر نزدیک به هم به اجرا برسند اما اصلا نمی گویم متاسفانه چرا که خوشبختانه هر دو اجرا را بسیار دوست دارم و هر دو آثار ارزشمندی هستند. فشار کار زیاد است ولی دارم تمام تلاشم را می کنم تا هر دو گروه راضی باشند.

**در آثار کمدی بازیگران زن با سختی مضاعفی روبرو هستند در این باره نظری دارید؟**

با توجه به شرایط موجود کار کمدی برای ما کمی سخت‌تر است. به هر حال بازیگران زن با محدودیت‌هایی مواجه هستند که آقایان مواجه نیستند. مخصوصاً اگر یک بازیگر خانم در چنین نمایشی که همه پارتنرهایش مرد هستند باشد کار سخت‌تر هم می‌شود. حتی در زمینه تعویض لباس هم من با یک فشار مضاعف روبرو هستم و علاوه بر این خود کار کمدی هم سختی و چالش زیادی دارد ولی من همیشه به شخصه تلاش کردم که این فاصله بین زن و مرد بودن در یک اجرای کمدی برداشته شود و فکر می کنم در نمایش «فین جین» این اتفاق افتاد. این را از کامنت‌هایی که از مخاطب دریافت کرده‌ام می گویم. اینکه یک دستی موجود در اجرا به گونه‌ای است که مخاطب می گوید حس نکردم که یک خانم روی صحنه است و همه را در یک سطح می‌دیدم.

**آیا قبلا تجربه نمایش ایرانی داشته‌اید و تجربه همکاری با پارتنرهای‌تان در این نمایش چگونه بود؟**

بله تجربه نمایش‌های ایرانی را قبلاً هم داشته‌ام و خیلی خوشایند است که در این نمایش تمام بازیگرانی که با من همراه هستند از دوستان خوب و قدیمی من هستند و با هر کدام از آنها حداقل چند پروژه مشترک داشته‌ام و این شناخت ما از توانایی‌های یکدیگر در بازیگری خیلی حس خوشایندی دارد و فکر می کنم اگر امروز موفقیتی وجود دارد و مخاطب لذت می‌برد یکی از دلایلش یک دست و همراه بودن بازیگران با یکدیگر است.

**سخن پایانی**

امیدوارم که مخاطب‌مان راضی باشد چرا که ما تمام تلاش‌مان را می کنیم و تمام انرژی‌مان را می گذاریم تا هم بتوانیم حق مطلبی را که در پی آن هستیم ادا کنیم و هم تمام این حرف‌ها را در قالب طنز و به شکل خوشایند مطرح کنیم تا اگر تلخی‌ای هم هست به زبان شیرین گفته شود و مخاطب‌مان بتواند با آن ارتباط برقرار کند و دوست داشته باشد. امیدوارم که موفق بوده باشیم و ادامه راه هم همان گونه باشد که تا این لحظه بوده است.